

میزان مقاومت کشورها در برابر ویروس کرونا



فرانسیس فوکویاما، نظریه پرداز نامدار علوم سیاسی در یادداشتی برای نشریه آمریکایی «تالانتیک» به بررسی کارایی دو سیستم سیاسی دموکراتیک و استبدادی در مدیریت بحران ویروس کرونا پرداخته است. در ادامه، یادداشت فوکویاما آمده است: «همه گیری ویروس کرونا که اکنون دنیا را درگیر خود کرده، در ژانویه ابتدا از چین آغاز شد، در آن مقطع بسیاری از مردم ادعا می کردند که سیستم استبدادی چین مانع از جریان آزاد اطلاعات در مورد بحرانی بودن اوضاع شده است. پرونده لی ونلیانگ، پزشکی که برای نخستین بار نسبت به شیوع این ویروس هشدار داد و بعداً بر اثر ابتلا به این بیماری در گذشت، به عنوان نمادی از عملکرد استبدادی حکومت دیده می شد.

ویروس کرونا: بحرانی فراگیر برای همه دولت ها

اکنون وضعیت برای دولت های دموکراتیک چندان بهتر به نظر نمی رسد. اروپا با شرایط بحرانی تری نسبت به چین روبرو است و ایتالیا تنها با وجود داشتن یک بیستم جمعیت چین، تعداد کشته شدگان اش بیش از آن کشور است. معلوم است که رهبران بسیاری از دموکراسی ها نیز فشارهای مشابهی مانند چین را برای کم کردن خطرات این بیماری همه گیر، چه برای جلوگیری از آسیب رسیدن به اقتصاد و چه برای محافظت از منافع شخصی خود، احساس می کنند.

این نه فقط در مورد جابر بولسونارو در برزیل یا لوپز اوبرادور در مکزیک بلکه در مورد رئیس جمهور دونالد ترامپ نیز صادق است، او تا اواسط ماه مارس اصرار داشت که آمریکا این بیماری را تحت کنترل دارد. این موضوع توضیح می دهد که چرا آمریکا دو ماه فرصت آماده شدن برای شیوع این ویروس را از دست داد. در همین حال، چین در حال گزارش موارد جدیدی از ابتلاست. بنا بر گزارش ها، دانشجویان چینی در انگلیس از رویکرد دولت بوریس جانسون حیرت زده اند.

وقتی همه گیری فروکش کند، من گمان می کنم که ما مجبور خواهیم بود به تفاوت هایی هر چند ساده نگاه کنیم. خط تقسیم عمده ای بین استبداد و دموکراسی در پاسخ به بحرانی مؤثر وجود ندارد. در مجموع عامل تعیین کننده مهم در مقابله با بحران نه نوع رژیم بلکه ظرفیت دولت و مهمتر از همه میزان اعتماد به دولت است. در مواقع بحران باید اختیارات کامل را به نهادهای اجرایی واگذار کنند. هیچ مجموعه ای از قوانین موجود نمی تواند پیش بینی همه شرایطی که کشور ممکن است با آن رو به رو شود را داشته باشد.

ویروس کرونا ودو گونه سیستم سیاسی

در اجرای درست و مؤثر اختیارات دستگاه اجرایی، اعتماد مهمترین چیزی است که سر نوشت یک جامعه را تعیین می کند. در یک دموکراسی کمتر از یک دیکتاتوری، شهروندان باید باور کنند که دستگاه اجرایی می داند چه کاری انجام می دهد. اعتماد، متأسفانه، دقیقاً همان چیزی است که امروز در آمریکا از دست رفته است. این یک تصور غلط و در عین حال رایج است که دموکرات های لیبرال لزوماً دارای دولت های ضعیفی هستند، زیرا آنها مجبور هستند به انتخاب مردم و رویه های قانونی احترام بگذارند. تمام دولتهای مدرن یک قوه مجریه قدرتمند دارند، زیرا هیچ جامعه ای بدون دولتی قوی نمی تواند زنده بماند. آنها به یک دولت قوی، مؤثر و مدرن نیاز دارند که بتواند قدرت را در صورت لزوم برای محافظت از جامعه، حفظ نظم عمومی و ارائه خدمات عمومی متمرکز و اعمال کند.

آنچه دموکراسی لیبرال را از یک رژیم اقتدارگرایانه متمایز می کند این است که قدرت دولت با نهادهایی دیگر محدود شده است. نقطه دقیق تعادل بین نهاد اصلی قدرت، قوه مجریه و نهادهای محدود کننده اصلی مثل دادگاهها و قوه مقننه همان چیزی است که یک دموکراسی را از دیکتاتوری متمایز می کند.

ویروس کرونا ونوع مواجهه دولت آمریکا

آمریکا با وجود سیستم خاص خود اما به گونه ای است که در صورت لزوم دولت از اقتدار کافی برخوردار است. در آمریکای لاتین، قوای مقننه غالباً اختیارات اضطراری را به روسای جمهور داده اند به طوری که پس از بحران روسای جمهوری عملاً به یک دیکتاتور تبدیل می شوند. ما می بینیم که امروزه در مجارستان و فیلیپین نیز چنین اتفاقی رخ داده است.

در مقابل، آمریکا تمایل دارد پس از گذر از شرایط اضطراری، قدرت را به جامعه بازگرداند. به عنوان مثال قدرت و اختیار زیاد ارتش در سالهای ۱۸۶۵، ۱۹۱۸ و ۱۹۴۵ به سرعت از بین رفت. ویلسون پس از چند سال راه آهن را به مالکیت خصوصی بازگرداند یا اختیاراتی که طبق قانون پس از ۱۱ سپتامبر به قوه مجریه اعطا شده بود، به تدریج از آن باز پس گرفته شد.

بنابراین، شاید آمریکا در ابتدای بحران به کندی عمل کند، اما اندکی پس از سرعت گرفتن بحران، احتمالاً می تواند با بسیاری از دولتهای اقتدارگرا از جمله دولتهای چین از نظر اعمال قدرت مشابهت داشته باشد. در واقع، می توان چنین استدلال کرد که چون قدرت در آمریکا مشروعیت دموکراتیک دارد، بنابراین در دراز مدت نسبت به اقتدار یک دیکتاتوری از دوام بیشتری هم برخوردار است. علاوه بر این، دولت می تواند ایده ها و اطلاعات شهروندان و جامعه مدنی را به گونه ای ترسیم کند که چین نتواند این رویه را در پیش بگیرد. از طرفی سیستم فدرال نیز خود امکانات خاصی در اختیار دولت های ایالتی می گذارد.

۲۵ هزار بسته پستی با طرح «عبور از کرونا با کتاب» ارسال شد

مدیرعامل موسسه خانه کتاب از ارسال ۲۵ هزار بسته پستی بعد از اجرای طرح عبور از کرونا با کتاب تا ۱۲ فروردین خبر داد. به گزارش روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نیکنام حسینی پور گفت: بعد از اعلام آمادگی موسسه خانه کتاب و اجرای طرح «عبور از کرونا با کتاب» ۲۵ هزار بسته پستی از سوی اعضا ارسال شده که ارزش ریالی مرسوله ها در این مدت برابر با دو نیم میلیارد ریال است. وی درباره میزان مراجعه و استفاده از سامانه پست موسسه خانه کتاب اظهار داشت: در مجموع ۶۲۰ ناشر، کتاب فروش و فروشگاه آنلاین کتاب عضو سامانه پست موسسه خانه کتاب هستند که اعضای سامانه به تفکیک شامل ۴۷۸ ناشر، ۸۲ کتاب فروش و ۶۰ فروشگاه آنلاین کتاب است. مدیرعامل موسسه خانه کتاب افزود: پیش از برگزاری طرح «عبور از کرونا با کتاب» به طور متوسط ماهیانه ۸ تا ۱۰ هزار ارسال مرسوله در سامانه به ثبت می رسید در حالی که در طول اجرای طرح این میزان دو برابر شده است.



رد پای اسرائیل در سریال های تلویزیونی

مسیح جعلی در خاور میانه



مبادرت کرده را نیز یک قهرمان می داند که برای امنیت جهانی با سیا همکاری می کند. این سریال نیز مانند سریال «هوملند» که سازمان سیا را تظهير کرده، شین بت اسرائیل را یک سازمان امنیتی پاک معرفی کرده که برای یک خیبر بزرگتر تلاش می کنند.

نخستین تلاش ها در جهت اقدامات فراقانونی ماموران امنیتی آمریکا در فیلم هایی همچون هری کشیف خود را نشان می داد که هری کالاها ن به صورت خودسر فردی که برای جامعه مضر است را شخصا می کشد و مخاطب نیز با او همراهی می کند.

در معروف ترین سریال هایی که در سال های گذشته ساخته شد، کیفر ساترلند در نقش جک باور سریال ۲۴ ماموری است که هر بار کاملاً فراقانونی اقدام می کند و آمریکا را نجات می دهد و گاهی اقدامات با باعث نجات جهان می شود. اگر چه با او برخورد می شود اما بخش مهمی که سازندگان در نظر داشتند، این بوده که نشان دهند اقدامات خودسرانه مامورانی که به رویای آمریکا اعتقاد دارند، چقدر در نجات دنیا مهم است.

سریال مسیح نمونه ای از همین پروپاگندهایی است که سازندگان آن تلاش می کنند اقدامات اسرائیل را برای مخاطب باورپذیر کند. اسرائیل نیز در حالی از این سریال حمایت کرده که پیش از این آنها بسیار تلاش کردند فیلم مصائب مسیح ساخته مل گییسون به اکران نرسد. آنها حتی اجازه ندادند کمپانی سسونی وسایل صابرداری در اختیار آنها قرار بدهد.

در ماجرای جنگ سرد این پروپاگاندا علیه شوروی و کشورهای کمونیستی ساخته می شد؛ چه آنکه هنوز که هنوز است بر پایه همان فیلم ها تمام روس ها یا جاسوس هستند یا مافیا. ارمنی ها مافیای بزرگی هستند که در آمریکا فعالیت می کنند. کوبایی ها همه قاچاقچی هستند. این سریال ها و فیلم ها هنوز تأثیر خود را بر جهان باقی گذاشته اند. سریال چرنوبیل در حال حاضر همین دیدگاه را پیش می برد.

شبکه «ج.بی.او» است. این سریال حول کشتن سه نوجوان اسرائیلی و یک پسر فلسطینی شکل گرفته است. بسیاری این سریال را برای چهره انتقادی اش از اسرائیل تحسین می کنند؛ به ویژه بعد از اینکه نتایج های این سریال را ضد یهودی خواند. با این حال این سریال نه تنها روایت اسرائیل را تقویت می کند بلکه آژانس مخفی اسرائیل شین بت را حامی حکومت قانون معرفی کرده است.

این همان کاری است که سریال «جاسوس» از تنفیلیکس نیز تکرار کرده است. آخرین نمونه این پروپاگاندهای رسانه ای اسرائیل مربوط به سریال «مسیح» در شبکه تنفیلیکس است. باراً حواری نوشته این سریال یک چهره شبیه حضرت مسیح با شمالی خاورمیانه ای را نشان می دهد که نگرانی شین بت (سازمان اطلاعات و امنیت داخلی یا شاباک) و سازمان سیا را برانگیخته است.

این سریال ماموران شین بت را تحسین می کند. مامورانی که به شکنجه فلسطینی ها و دزدیدن آن ها معروفند. نه تنها این سریال غیر انسانی جلوه دادن و شکنجه فلسطینی ها را امری قابل توجیه جلوه داده بلکه ماموری که به این کار

مأموریتی به این جهان آمده است. در همین حین سازمان سیا از وجود او مطلع و زنی مأمور پیگیری این پرونده می شود. پروپاگاندا ی اسرائیل به شبکه های کابلی نظیر تنفیلیکس و اچ بی او راه پیدا کرده است. در حالی که نژادپرستی علیه اعراب و بساا بردن اسرائیلی ها چیز جدیدی در صنعت فیلم سازی نیست، اما اخیراً شاهد نفوذ برنامه هایی هستیم که سازمان های مخفی اسرائیلی را تظهير کرده و فلسطینی ها را ضمن اهریمن انگاری به عنوان تهدیدی علیه امنیت جهانی معرفی میکند.

باراً حواری در الجزیره نوشته است یکی از مشخص ترین این تلاش ها را می توان در سریال اسرائیلی تنفیلیکس با نام «فودا» ببینید. (این واژه به عربی یعنی آشوب). این سریال واحدهای ویژه مخفی اسرائیلی را با نام موستا ربییم نشان می دهد که با تغییر چهره به شهرها و روستاهای فلسطینی نفوذ می کنند. این سریال برای چهره غیر انسانی ای که از فلسطینی ها نشان داده و اینکه هیچ حرفی در مورد اشغالگری های نظامی اسرائیل نمی زند، مورد انتقاد واقع شده است.

سریال مشابه دیگر، سریال «پسران ما» از

شهروند مسئول، کلید خروج از بحران کرونا



شیوع ویروس کرونا، اقتصاد جامعه را در موقعیت بحرانی خاصی قرار داده که بیش از همه، ناشی از نوعی ابهام و چالش در نحوه سیاست گذاری برای مدیریت بحران و سرگردمی مردم در تشخیص الگوی رفتاری متناسب با بحران است که شهروند مسئول می تواند کلید خروج از بحران کرونا تلقی شود.

پزشکان تأکید دارند که فاصله گیری فیزیکی و رعایت قرنطینه خانگی توسط افراد، بهترین راه کنترل شیوع این ویروس و گذار از این بحران است؛ اما از سوی دیگر گزارش ها بیانگر جمعیت چندمیلیونی ای هستند که به دلیل تعطیلات و ایام عید نوروز از شهرهای محل سکونت خود به مقاصد مختلفی خارج شده اند. در نتیجه این جابجایی، خود مسبب شیوعی بیشتر و بالا رفتن آمار بیماران خواهد شد. مسئله اصلی در این شرایط، پیدا کردن راه حلی برای همراه کردن مردم با سیاست های قرنطینه و مراقبت های بهداشتی لازم در کنترل شیوه ویروس کرونا است.

هرچند سفرهای این ایام، بیش از آنکه دلالتی برای سفر و تفریح نوروزی داشته باشد، بیشتر به مقصد رفتن به خانه های دوم ساکنان شهرهاست که یا در مناطق ویلایی خانه های دومی دارند یا در شهرهای شمالی و گاه نیز در زادگاهشان خانه هایی قبلی را بازسازی کرده اند. مسئله اصلی آن است که شهروندانی که حتی به دلیل رفتن به قرنطینه در خانه دوم جابجا می شوند را چگونه باید متقاعد کرد. از سوی دیگر بخش قابل توجهی از مردم نیز حسب ضرورت معیشت، می بایست بر سر کارهای موقت و دائم خود باشند. لذا مسئله اصلی صرفاً قرنطینه نیست، بلکه اتخاذ سیاست هایی است که الگوهای بهداشتی پیشگیری از شیوع را ترویج کند.

در این یادداشت به گروهی خواهیم پرداخت که به دلایل متعدد با سیاست های بهداشتی ستاد مبارزه با بحران کرونا همراهی نمی کنند. در این شرایط، این عزیزان سفر کرده از حقوق اولیه شهروندی خودشان برای رفتن به خانه های دوم یا اختیارشان برای رفتن به خانه پدری، به عنوان دلیل اصلی سفر یاد کرده اند؛ اما مسئله اصلی آن است که اگر این نوع رفتارهای مخاطره آمیز ادامه پیدا کند، چه اتفاقی برای جامعه خواهند افتاد؟

حقایق تلخ از زندگی کودکان کار در بحران کرونا

یکی از راهکارهای دولت برای کنترل شیوع ویروس کرونا در میان کودکان کار جمع آوری آنان و اجرای طرح های ضربتی بی فایده ای بود که پیش تر هم آزموده شده و تنها نتیجه آن وحشت کودکان و ناپدید شدن کوتاه مدت آن ها از سطح شهر بود بدون آنکه به ارتقا کیفیت زندگی آنان کمکي شده یا به التیام دردهایشان بینجامد.

اواخر اسفند ماه اوشیروان محسنی بندی استانددار تهران با تأکید بر ضرورت ساماندهی ضربتی کودکان کار ضرورت دارد و از استقرار تیم پزشکی برای جلوگیری از شیوع کرونا در میان کودکان کار خبر داده و گفته بود: طبق توافق نامهای که پیش از این با بهزیستی منعقد شده، ساماندهی کودکان کار باید به شکل ضربتی و با سرعت بیشتری در این شرایط انجام شود. طبق این توافق نامه کودکانی که جمع آوری می شوند، اگر حضور آن ها برای بار نخست باشد، با مراجعه و تعهد خانواده ها تحویل داده می شوند. در مورد کودکانی که برای دومین بار و با وجود تعهد جمع آوری می شوند، در مدت هشت روز باید تعیین تکلیف شوند و اگر کودکان ایرانی بودند، تحویل مراکز بهزیستی داده شوند و اگر از اتباع بودند، تمهیدات و تسهیلات لازم برای خروج آن ها از مرز فراهم شود.

بنابر خبرها فرقی نمی کرد که این کودکان همراه با خانواده در ایران زندگی کنند یا اینکه بدون خانواده به ایران سفر کرده باشند. به هر حال در صورت احراز شرایط به افغانستان عودت داده می شوند.

سعید آرام مدیر بهزیستی شهرستان تهران نیز خبر داده بود که با توجه به شیوع ویروس کرونا به کودکان کار و خیابان، جعبه های لوازم بهداشتی شامل ماسک، ژل ضد عفونی، دستکش و بسته های صابون داده می شود و آموزش های لازم برای رعایت مسائل بهداشتی.

به گزارش رویداد ۲۴ موضوع جمع آوری این کودکان و خبرهای ضد و نقیض درباره اجرا یا عدم اجرای این طرح واکنش جمعی از فعالان مدنی را برانگیخته و منجر به انتشار نامه ای به دولت برای توقف این طرح شد.

بعد از انتشار این نامه به گفته برخی فعالان مدنی دستور توقف این طرح صادر شد و تا کنون نیز خبری از اجرای طرح در همان روزهای آخراسفند در دست نیست.

فارغ از اینکه هر د مرز کردن کودکان مهاجر به کشورشان یا جمع آوری کودکان کار ایرانی از سطح خیابان تاچه میزان می تواند شرایط بهتری را برای این کودکان فراهم کند، اما به صورت کلی یکی از نگرانی های فعالان مدنی نسبت به اجرای این طرح های ضربتی کشانده شدن کودکان کار اعم از مهاجر و غیر مهاجر به کارگاه های زیرزمینی بود که عواقب و تبعات خاص خود را دارد. این نگرانی مهم بهانه ای شد برای مصاحبه با کامیل احمدی پژوهشگر آسیب های اجتماعی و مردم شناس.

کامیل احمدی مردم شناس و پژوهشگر که خود یکی از امضا کنندگان این نامه است درباره زندگی کودکان کار در کارگاه ها به رویداد ۲۴ می گوید: کودکان کار یک مفهوم کلی دارند، در قوانین بین المللی و کنوانسیون جهانی حقوق کودک به افراد زیر ۱۸ سال کودک می گویند. طبق قوانین سازمان جهانی کار، کار کودک دو وجهه دارد، یکی افراد تا سن ۱۵ سال که کودک محسوب شده و تحت هیچ شرایطی نباید کار کنند و دیگری افراد دارای سن ۱۵ تا ۱۸ سال که شرایط متفاوتی دارند و نوجوان به شمار می آیند. مثلاً در قوانین ایران طبق مواد ۷۹ و ۸۹ قانون کار نوجوانان طبق شرایطی مشخص شده و در این چهارچوب این قانون می توانند به صورت پاره وقت کار کنند. البته برخی سازمان ها و فعالان حوزه کودک کار افراد زیر ۱۸ سال را به صورت کلی مورد انتقاد قرار داده و آن را غیر قانونی می دانند.

او با اشاره به اینکه کودکان کار در نوع و مکان کاری که به کار گرفته می شوند متفاوت هستند، ادامه می دهد: اگر چه ما عمدتاً کودکانی که در خیابان ها کار می کنند را به عنوان کودک کار می شناسیم، چون آنان را می بینیم اما حقیقت آن است که دسته های بزرگتری از کودکان هستند که کار می کنند، اما دیده نمی شوند.

این پژوهشگر آسیب های اجتماعی توضیح می دهد: دسته ای از کودکان کار در کارگاه ها که به آن ها کارگاه های زیر زمینی گفته می شود کار می کنند، در این کارگاه ها عمدتاً از کودکان استفاده فیزیکی شده و سخت ترین نوع کارها برعهده کودکان گذاشته می شود، زیرا نظارتی براین کارگاه ها وجود ندارد.